

آموزش برپا داشتن نماز به کودکان براساس نظریه شناختی - اجتماعی در روانشناسی

مجید مهرمحمدی^۱

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیهقان

پدیرش نهایی: ۸۷/۴/۴

دریافت مقاله: ۸۶/۹/۱۷

چکیده

این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که آیا نماز و عبادت براساس مبانی نظریه شناختی - اجتماعی قابل آموزش است یا نه.

این مقاله تبیین کننده علل نمازپذیری یا نمازگریزی کودکان براساس نظریه یادگیری اجتماعی (شناختی - اجتماعی) است. براساس این دیدگاه مهمترین روش شکل گیری رفتار در کودکان براساس نظریه یادگیری اجتماعی روش مشاهده و الگوگیری است. کودکان با مشاهده الگو (والدین، مربیان، دوستان، همسالان، الگوهای تلویزیونی و سینمایی و ...) یاد می گیرند نماز را برپا دارند و به آن اهمیت دهند و یا برعکس به آن توجه نداشته باشند. کودکان به دلیل حضور دائمی و همیشگی از دوران اولیه کودکی، رفتار والدین را مشاهده می کنند و آن را الگوی خود قرار می دهند. آنان تدریجاً با مشاهده سایر الگوها به رفتار دیگران توجه و از آن تقلید می کنند. مراحل یادگیری مشاهده‌ای (الگوگیری)، توجه، نگهداری، بازآفرینی و انگیزشی است. این مقاله که بر مبنای رویکرد یادگیری اجتماعی رفتار برپاداشتن نماز را مورد توجه قرار داده، منطبق با ادبیات کهن ایرانی و آیات قرآن و احادیث ائمه است.

نتیجه این پژوهش تعمیم و کاربرد دیدگاه یادگیری شناختی (که یکی از نظریه های روانشناسی یادگیری است) رایج در حوزه موضوعات دینی است. تبیین های نظری مفاهیم دینی، که براساس اصطلاحات رایج روانشناسی است، نخستین گام در جهت تجربی کردن مفاهیم دینی و نهایتاً استفاده از روش شناسی تجربی در تبیین چرایی و چگونگی این مفاهیم است.

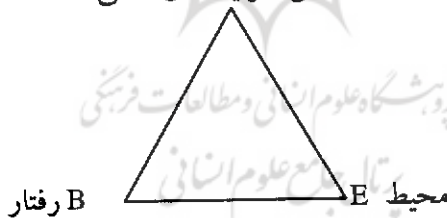
کلید واژه ها: یادگیری اجتماعی، نظریه شناختی اجتماعی، آموزش برپاداشتن نماز، نماز و کودکان.

مقدمه

نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی به وسیله آلبرت باندورا تدوین و تکمیل شد. این نظریه را شناختی - اجتماعی می‌گویند؛ زیرا بر این واقعیت تأکید دارد که بیشتر اطلاعاتی که ما به دست می‌آوریم از راه کنش متقابل با سایر اشخاص است (هرگنهان و السون، ۱۳۷۸). تأکید این دیدگاه بر کنش متقابل بین رفتار و محیط است (اتکینسون و همکاران، ۱۳۶۹).

این دیدگاه هم ابعاد رفتاری و هم شناختی را مورد توجه قرار می‌دهد؛ به عبارتی حد واسط رفتارگرایی و شناخت گرایی است؛ یعنی مثل رفتارگراها بر محرکات محیطی و مثل شناختگراها بر فرایندهای شناختی به عنوان کنترل کننده رفتار تأکید می‌کند. براساس این نظریه، رفتار بر این سه عامل رفتار، محیط و فرایندهای شناختی است که مجموعاً جبر متقابل را ایجاد می‌کنند (هرگنهان و السون، ۱۳۷۸).

P شخص (فرایندهای ذهنی)



از این دیدگاه، رفتار می‌تواند زمینه‌های محیطی را ایجاد کند و آن را نظم بخشد. رفتار افراد در تعاملات اجتماعی مشخص می‌کند که دیگران چگونه و چه رفتاری داشته باشند. این دیدگاه مثل شرطی سازی کلاسیک به نقش محرکات پیشاینده و مثل شرطی سازی عاملی به محرکات پساینده (تقویت‌های محیطی) و مثل دیدگاه شناختی به فرایندهای شناختی (تفکر، حافظه و ...) در جهت دهی و کنترل رفتار باور دارد (سیف، ۱۳۷۹).

براساس این دیدگاه انسان، نظام خود نظم بخشی دارد؛ یعنی تدریجاً دارای سیستمی از تفکر و اندیشه می شود که به وسیله آن اعمال و رفتار خود را ارزیابی می کند. این ارزیابی بر عملکرد فرد و محیط تأثیر می گذارد (احدی و جمهری، ۱۳۸۰).

نظام خود نظم بخشی این مسئله را مطرح می کند که رفتار فرد، پیامدی بیرونی بدنبال دارد. این رفتار یک واکنش خود سنجی را موجب می شود. انسانها ملاکهایی برای رفتار (عملکرد) خود تعیین می کنند و آن گاه بر اساس درجه همخوانی رفتارهای خود با آن ملاکها به شیوه رضامندانه یا نارضامندانه واکنش نشان می دهند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۶۹).

اگر بخواهیم با رویکرد شناختی - اجتماعی به نماز بنگریم، باید گفت نماز از این دیدگاه یک رفتار است که هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر از محرکات پیشابندی (در شرطی کلاسیک) مثل اتفاقات و رفتارهای دیگران قبل از اقامه نماز یا هنگام اقامه نماز و هم محرکات پسابندی (در شرطی عاملی) مثل پیامدهای نماز خواندن و تقویتها و تشویقهای والدین از رفتارهای مرتبط با نماز کودک و هم فرایندهای شناختی (مثل حافظه و تفکر) یا متغیرهای واسطه ای است. نماز بر ایند تعامل سه عامل رفتار، محیط و فرایندهای ذهنی شخص است. رفتار فرد می تواند دیگران و محیط را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین عوامل محیطی نیز رفتار فرد (نماز گزاردن) را تحت تأثیر قرار می دهد.

براساس این نظریه، نماز گزار نظام خود نظم بخشی دارد. او موجودی متفکر و اندیشمند است؛ تعقل و تفکر دارد؛ رفتار خود و دیگران را ارزیابی می کند و در مورد رفتار خود تصمیم می گیرد. او نماز خواندن دیگران و اهمیت دادن به آن را

مورد ارزیابی قرار می دهد. ارزیابی فرد از رفتار خود و دیگران باعث می شود که قسمتهایی از رفتار تقویت، و قسمتهایی حذف شود. در نتیجه این ارزیابی بر عملکرد فرد با محیط تأثیر می گذارد.

براساس این رویکرد، نماز رفتاری آموخته شده است که براساس محرکات پیشایندی، پسایندی و نیز روش سرمشق گیری (یادگیری مشاهده ای) آموخته می شود. براساس این مکتب اصلی ترین نوع یادگیری انسان، یادگیری مشاهده ای است (احدی و جمهری، ۱۳۷۸). به همین دلیل مهمترین دلیل نماز پذیری یا نمازگریزی کودکان از این دیدگاه براساس یادگیری مشاهده ای و الگوگیری تبیین می شود.

براساس این رویکرد وقتی مشاهده کننده، رفتار دیگری را مشاهده می کند شخصی که برای انجام دادن یک رفتار پاداش دریافت می کند آن رفتار توسط فرد مشاهده کننده آموخته می شود. به این نوع پاداش (تقویت) تقویت جانشینی گویند (سیف، ۱۳۷۹)؛ مثال، وقتی معلم، یکی از دانش آموزان را برای وضو مورد تقویت قرار می دهد، دانش آموزان دیگر روش او را سرمشق قرار می دهند و می کوشند تا مثل او وضو را یاد بگیرند و انجام دهند.

علاوه بر تقویت جانشینی در یادگیری مشاهده ای، تنبیه جانشینی هم مؤثر است؛ مثال، دانش آموزی که بین نماز جماعت لودگی می کند و رفتار نادرست نشان می دهد اگر به آرامی اما قاطعانه مورد مؤاخذة قرار گیرد، دانش آموزان دیگر نیز سعی می کنند اشتباه او را تکرار نکنند.

کودکان با مشاهده رفتار والدین، معلمان، همسالان و سایر الگوها یاد می گیرند که چگونه نماز را برپا دارند و برای آن اهمیت قائل شوند (مهرمحمدی، ۱۳۸۱).

به همین دلیل زیباترین و خوشایندترین حالات و اوقات کودکان در خانواده زمانی است که والدین آماده اقامه نماز می شوند؛ یعنی زمانی که کودک همه شادی و نشاط را در چهره برافروخته و شادمان اطرافیان مشاهده می کند. هنگام وضو گرفتن، جانماز انداختن و بوی خوش استشمام کردن به آوای اذان گوش فرا دادن و خود را آراستن به زیباترین صورت و شتافتن به سوی محبوب که او را به عرش ملکوت و آرامش می رساند (فرهادیان، ۱۳۷۷).

بر مبنای این دیدگاه، خردسالان به علت حضور دائمی و همیشگی والدین با آنها همانند سازی می کنند. والدین در این زمان و بعدها در زندگی کودک به عنوان الگو از قدرت مطلوبی برخوردارند (مفیدی، ۱۳۷۲).

کودکان بر اساس احساس وابستگی که به والدین و مریبان خود دارند، ضمن توجه به سخنان آنان خواهند کوشید خود را با آنان تطابق دهند و حرکات و سکناات خود را به گونه ای قرار دهند که رضای آنان را فراهم کند و این خود راه مناسبی برای القائات اخلاقی و دینی است (قائمی، ۱۳۷۰).

کودکان از راه مشاهده الگوها (بویژه الگوهای همجنس) که برای فرد جاذبه دارد و به قول روانشناسان یادگیری اجتماعی، توزیع کننده تقویت هستند به مسائل نماز توجه می کنند. براساس این دیدگاه، کودکان فرصت می یابند تا بدون آزمایش و خطا و گاهی نیز با آزمایش و خطا شکل صحیح برپا داشتن نماز و اهمیت دادن به نماز را بیاموزند (مهرمحمدی، ۱۳۸۱).

براساس این دیدگاه، رفتار فرد از مشاهده الگو و تقویت‌های محیطی شکل می گیرد. الگوها همان عامل انتقال دهنده اطلاعات است (احدی و جمهوری، ۱۳۷۸).

الگوها می‌توانند والدین، همسالان، همبازیها، همکلاسی‌ها، شخصیت‌های سینما و تلویزیون، کتابها و مجلات و... باشد. همین که در میان مردم گفته می‌شود فلان برنامه تلویزیون یا ماهواره یا اینترنت بدآموزی دارد بر اساس نقش الگویی این رسانه‌ها است.

یکی از الگوهای رفتاری مهم کودکان والدین هستند. هنر والدین در تربیت دینی فرزندان در این است که با ارائه الگوهای سازنده و مصداق‌های زنده و گویای آیات هستی و جلوه‌های آفرینش، خدا را نزد فرزندان معرفی کنند. این عرضه و ارائه جذاب، نگرش مثبت فرزندان را نسبت به دوستی و محبت خدا عمیق‌تر و پایدارتر می‌کند (کریمی، ۱۳۸۳).

به همین دلیل امامان معصوم به افراد خانواده سفارش می‌فرمودند که داخل منزل نیز لباس زیبا و تمیز بپوشند و از پوشیدن لباسهای کثیف و مندرس و نامناسب پرهیز کنند (قرائتی، ۱۳۷۳). شاید یکی از دلایل عمده این مسئله توجه به نقش الگویی اعضای خانواده و نقش تأثیرگذار آنها بر همدیگر بویژه تأثیر آنها بر تربیت کودکان باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ادبیات پژوهش

نظریه شناختی - اجتماعی مهمترین عامل یادگیری را یادگیری از طریق الگوگیری و مدیر سازی عنوان می‌کند.
فرایند الگوگیری از آغاز تولد تا دوران پیری و مرگ ادامه می‌یابد و همواره یکی از راه‌ها و روشهای مهم یادگیری افراد تلقی می‌شود.

والدین و خواهر برادرها، معلم و مربیان و دوستان، مهمترین مدل‌های رفتاری کودکان و نوجوانان هستند.

پژوهش‌های زیر نشان‌دهنده نقش والدین و تربیت خانوادگی در نمازپذیری یا نمازگریزی کودک است.

مردانی و مصطفایی (۱۳۸۱) در پژوهش خود نشان دادند که بین نظر والدین در مورد فرائض دینی و گرایش فرزندان به نماز رابطه معنی دار مثبت وجود دارد. سماروک (۱۳۷۶) نیز نشان داد که اعتقادات دینی والدین در گرایش نوجوانان به نماز مؤثر است.

سپهوند (۱۳۸۱) نشان داد که بین تربیت خانوادگی دانش آموزان با گرایش دانش آموزان به نماز رابطه معنی دار مثبت (مستقیم) وجود دارد.

پژوهش اژدری (۱۳۸۲) نشان داد بین وضعیت نماز خواندن پدر و پسران خانواده رابطه معنی دار مثبت وجود دارد. وی در پژوهش خود مشخص کرد که میزان پایبندی خانواده به نماز با نگرش دانش آموزان نسبت به نماز رابطه معنی دار مثبت (مستقیم) وجود دارد. براساس این پژوهش، دانش آموزانی که با خانواده های خود ارتباط بهتری دارند، علاقه بیشتری نسبت به نماز نشان می دهند.

در پژوهشی، ۴۸٪ دانش آموزان اعتقاد والدین خود و عمل به دستورهای دینی را در جذب فرزندان به نماز مؤثر می دانند. پژوهش دیگر بیان می کند ۶۶٪ دانش آموزان پسر و ۷۷٪ دانش آموزان دختر، علت نماز خواندن خود را والدین ذکر کرده اند (تقی زاده و شکبیا، ۱۳۷۲).

شعبانی (۱۳۷۳) در پژوهش خود بیان می کند که بالغ بر ۷۶٪ دانش آموزان گفته‌اند که نماز را از والدین خود آموخته‌اند.

پژوهش تحویلیان و همکاران (۱۳۷۵) نشاندهنده تأثیر اعتقادات و نیز تحصیلات والدین در ایجاد گرایش به نماز در کودکان است. با توجه به نقش تربیتی خانواده و تأثیرپذیری کودک از معاشرتهای خانوادگی، معاشرت والدین با خانواده‌های سالم مذهبی که از نظر اعتقادات مذهبی و اخلاقی سالمند و الهامبخش زیباییهای دیانت و معنویت هستند، می‌تواند برای فرزندان بهترین الگوی تربیتی در گرایش به دین و انسجام تکالیف دینی باشد (کریمی، ۱۳۸۲).

پژوهشهای زیر نشاندهنده نقش مربی و معلم و عوامل آموزشگاهی در نمازپذیری و یا نماز گریزی کودک است.

باقریان (۱۳۷۶) در پژوهش خود بر روی مدیران و معاونین مدارس بم نشان داد، ۹۷٪ مدیران، توان علمی معلمان دینی را در تقویت مبانی اسلامی دانش آموزان مؤثر دانسته‌اند.

سادتی (۱۳۷۵) در پژوهش خود نشان داد که بیشتر دانش آموزان استان مرکزی به رغم نگرش مثبت به نماز، کمتر به ادای نماز رغبت دارند. نتایج، نقش مربیان دینی در ترغیب محصلان به نماز را مثبت ارزیابی کرد.

پژوهش سپهوند (۱۳۸۱) نشان داد، شرکت معلمان در نماز عاملی برای گرایش دانش آموزان به نماز است.

پژوهش دیگر نشان می‌دهد که ۹۱٪ افرادی که مورد نظر سنجی قرار گرفته‌اند، نقش مدیران مدارس، معلمان و کارکنان مدارس را برای اقامه نماز جماعت در کنار دانش آموزان، مهم و جذب کننده می‌دانند (تحویلیان و همکاران، ۱۳۷۵).

پژوهش تحویلیان و همکاران (۱۳۷۵) و سادتی (۱۳۷۵) نشاندهنده نقش مؤثر اردوهای زیارتی و سیاحتی و فرهنگی در جذب دانش آموزان به نماز است.

پژوهش سماروک (۱۳۷۹) نشاندهنده تأثیر زیاد برنامه‌های تربیتی مدارس در ایجاد گرایش به نماز در نوجوانان است.

پژوهش شعبانی (۱۳۷۳) بر روی پانصد دانش آموز اصفهانی نشان می‌دهد که بیشتر دانش آموزان، عدم تناسب وقت نماز، تداخل نماز با سایر فعالیتها و عدم ارتباط صمیمانه بین کارکنان مدرسه را دلیل بی‌علاقگی به نماز ذکر کرده‌اند. بیش از ۷۰٪ دانش آموزان در این پژوهش، نماز را در گسترش دوستیها مؤثر می‌دانند. پژوهشهای زیرنشاندهنده نقش دوستان در نمازپذیری و یا نمازگیزی افراد است. پژوهش سادتی (۱۳۷۵) نشان داد دوستان و همسالان دانش آموز در اقامه نماز مؤثر هستند.

پژوهش سواری و همکاران (۱۳۸۰) مشخص می‌کند که نگرش دوستان دانش آموز در شرکت کردن آنها در نماز جماعت مؤثر است. این پژوهش نشان می‌دهد که یکی از مهمترین ویژگیهای اقامه نماز کودکان تقلید از افراد محبوب مثل معلم، والدین و دوستان خوب است. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که یکی از راه‌های افزایش گرایش دانش آموزان به نماز تبلیغ فواید و تأثیرات نماز به منظور تغییر نگرش آنها به سوی خالق متعال است. پژوهش سپهوند (۱۳۸۱) نشان می‌دهد که داشتن دوستان نمازگزار عاملی برای ایجاد علاقه و گرایش به نماز است.

پژوهشهای ذکر شده در مورد تأثیر تربیت خانوادگی، نقش معلم و مدرسه و نقش دوستان، بیان کننده تأثیر متغیرهای شناختی و رفتاری (محرکات پیشاینده در شرطی سازی کلاسیک و محرکات پساینده در شرطی سازی عاملی) و نیز نقش الگویی خانواده (در دیدگاه یادگیری اجتماعی) در نمازپذیری و یا نمازگیزی کودکان

است. آنچه در وهله نخست، باعث ایجاد و گسترش یادگیریهای کودکان در مورد نماز می‌شود، نقش الگوها و سپس سایر عوامل پیشایندهی و پسایندهی و عوامل شناختی است.

یادگیری اجتماعی (شناختی-اجتماعی) در ادبیات و روایات اسلامی

در فرهنگ و ادبیات ایرانی - اسلامی در مورد این نوع یادگیری بسیار گفته شده است. بسیاری از علما، شاعران و دانشمندان به نقش تقلید و رنگ پذیری و مشاهده اشاره کرده اند. سرمشق قرار دادن دیگران، چه به طور ارادی یا عمدی یا غیرارادی و غیرعمدی همیشه در داستانها، کنایات و استعاره های ادبی نمود خاصی داشته است. ادبیات ما مملو از واژه‌هایی مثل نمونه خوب، همنشین بد، تقلید کورکورانه، تقلید معکوس، رفتار طوطی وار و الگوی موفق است (کرومبولتز و کرومبولتز، ۱۳۶۸).

اشعار زیر نشان‌دهنده تأکید شاعران ایران زمین بر این مسئله است:

تا توانی می گریز از یار بد
یار بد بدتر بود از مار بد
(مولوی)

گلی خوشبوی در حمام روزی رسید از دست محبوبی به دستم
بدو گفتم که مشکى یا عبیری
که از بوی دلاویز تو مستم
ولیکن مدتی با گل نشستم
بگفتا من گلی ناچیز بودم
وگرنه من همان خاکم که هستم
کمال همنشین در من اثر کرد
(سعدی)

زن‌دادان نیابی بجز بدتر
نگر سوی بی دانشان ننگری
(فردوسی)

مکن با بد اندیش هرگز درنگ
 که انگور گیرد ز انگور رنگ
 (نظامی گنجوی)

قرآن یادگیری از طریق تقلید و الگوگیری را از راه های سازگاری صحیح با محیط می داند؛ آنجا که داستان قابیل و عجز و ناتوانی او در پنهان سازی جسد برادرش هابیل را مطرح می کند (بی ریا و همکاران، ۱۳۷۵).

در این ارتباط قرآن می فرماید خداوند زاغی را فرستاد تا زمین را بکند و به او نشان دهد که چگونه جسد برادر را زیر خاک پنهان سازد و قابیل گفت ای بر من! آیا من نتوانستم مثل این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم و سرانجام پشیمان شد (مائده/۳۱).

از این آیه قرآن درمی یابیم که حتی انسان می تواند از حیوانات الگوگیری کند. قرآن در مورد نقش الگوئی انسانها بویژه از حضرت محمد (ص) می فرماید مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است (احزاب/۲۱). قرآن در سوره ممتحنه آیه ۴ می فرماید برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت یا در سوره صف آیه ۱۴ می فرماید ای کسانی که ایمان آورده اید یاوران خدا باشید؛ همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: چه کسانی در راه خدا یاوران من هستند حواریان گفتند ما یاوران خداییم.

بیشتر الگوهای قرآنی، جوان و تأثیر گذار بوده اند؛ از جمله اینان می توان به یوسف، قهرمان مقاومت در برابر شهوت، جوانان کهف، اسوه مهاجرت در راه خدا، اسماعیل، نماد تسلیم در برابر فرمان خدا، ابراهیم بت شکن و عادت شکن، نوح الگوی، پایداری، ایوب، قهرمان صبر و تحمل، داوود، نوجوان نمونه شهامت و

شجاعت در مبارزه با طاغوت، پیامبر اکرم حضرت محمد(ص)، سرمشق جهانی نام برد (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۱).

ائمه (ع) نیز هر کدام نماد یک ویژگی هستند؛ مثال، امام علی (ع) سمبل عدالت و الگوی حاکم عدالت گستر، امام حسین (ع)، سمبل شهادت و شهید و الگوی اعتراض علیه حکام، فاطمه (ع)، الگوی زن شایسته و... احادیث و سخنان زیر در مورد نقش الگویی دوستان، والدین و رهبران جامعه است.

امام علی (ع) می فرمایند: «کسی که خود را رهبر مردم قرار داد باید پیش از اینکه به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد و پیش از اینکه به گفتار تربیت کند با کردار آموزش دهد؛ زیرا آن کسی که خود را تعلیم دهد و ادب کند، سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۵۵).

پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «آدمی تحت تأثیر دوست خود است و عملاً از رفتار و روش او پیروی می کند. هر کدام از شما در انتخاب دوست باید دقت کنید که با چه کسی طرح دوستی می ریزید» (سیف و همکاران، ۱۳۷۳: ۱۵۶).

امام زین العابدین (ع) می فرمایند: «فرزندم از دوستی با شخص نادان و احمق بهره‌یز؛ زیرا او می خواهد به سود تو کاری کند ولی بر اثر حماقت به ضرر تو می شود» (نرم افزار جامع احادیث نور، ۱۳۸۳).

امام علی (ع) می فرمایند: «کسی که نسجیده و ناآزموده با دیگران پیمان دوستی می بندد، ناگزیر به رفاقت و دوستی با اشرار و افراد فاسد تن می دهد» (به نقل از منبع قبلی).

امام صادق می فرمایند: «با کسی که اهل نماز نیست دوست نشوید» (قرائتی، ۱۳۷۳: ۳۱).

در قرآن می خوانیم که روز قیامت گروهی دو دست خود را به دندان می گیرند و از پشیمانی می نالند و می گویند: ای کاش با فلانی دوست نمی شدم که او در دنیا ما را گمراه کند (قرائتی، ۱۳۷۳: ۳۱).

مراحل یادگیری مشاهده ای

۱) مرحله توجه

اولین مرحله یادگیری مشاهده ای توجه کردن به الگو و ویژگیهای اوست. عوامل بسیاری باعث توجه کودک به الگو می شود که عبارت است از:

الف - جذابیت ظاهری (زیبایی، خوش لباسی و آراستگی)

اغلب مردم زیبایی را ناچیز نمی انگارند تا حدی که جاذبه ظاهری در عکس العمل کودکان نقش مهمی دارد. پژوهشها نشان می دهد کودکان به سمت کودکان خوش سیما بیشتر از کودکان غیرجذاب جذب می شوند (بی ریا و همکاران، ۱۳۷۵). انسان فطرتاً زیبایی را دوست دارد و از لباس زیبا، صدای زیبا، منظره زیبا، کلام شیوا، خط خوش و بوی خوش لذت می برد. اسلام دستور می دهد مسلمانان نظیف و آراسته و مرتب باشند. نمازگزار باید هنگام ورود به مسجد و اقامه نماز تمیز و خوشبو باشد. پیامبر اکرم به جوانی که موهای ژولیده داشت فرمود یا موهایت را کوتاه کن یا شانه بز. خود آن حضرت هنگام خروج از منزل در مقابل آینه سر و صورت خود را مرتب می کردند و می فرمودند وارد بهشت نمی شوند مگر افراد نظیف. به همین

دلیل مشاهده می شود که امامان معصوم در وقت نماز بهترین لباسهای خود را می پوشیدند (قرائتی، ۱۳۷۳: ۷۷).

به همین دلیل آن روحانی که کودک به او علاقه‌ای ندارد، کودک از نماز او هم متنفر است (قائمی، ۱۳۷۷).

در کل زیبایی و زیبا پوشی یکی از عوامل مهم جلب توجه کودکان به رفتار الگو است؛ به عبارتی نماز گزار خوش سیما و خوش لباس و معطر بیشتر مورد توجه کودکان است. به همین دلیل مریبان و والدین باید به ظاهر خود و آراستگی و نظافت خود نیز توجه کنند، زیرا ظاهر آراسته و زیبا و تمیز و به عبارتی صورت زیبا انسان را متوجه سیرت زیبا می‌کند.

ب - جنسیت کودکان

کلیبرگ می گوید کودکان از وقتی می فهمند پسر یا دخترند، کارهای پسرانه و دخترانه انجام می‌دهند. روانکاوان گویند از ۴-۵ سالگی همانند سازی با همجنس آغاز می‌شود. از دیدگاه شناختی - اجتماعی، کودکان رفتارهای کودکان همجنس خود را تقلید می‌کنند (هنری ماسن و همکاران، ۱۳۷۲).

پژوهشها نشان می‌دهد الگوهای همجنس، فرد را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد (هرگنهان والسون، ۱۳۷۸).

کودکان از حدود سه سالگی خود را به عنوان یک پسر یا دختر باز می‌شناسند؛ به عبارتی نقش جنسی خود را بتدریج جستجو می‌کند. در دوره دوم کودکی پسر در محیط خانه بیشتر به رفتار پدر و دختر بیشتر به رفتار مادر توجه می‌کند. در محیط بیرون از خانه و مدرسه، کودکان به همبازیها و همسالان موافق با جنس خود تمایل

پیدا می کنند و پسران و دختران متمایلند در گروه های جنسی خود شرکت کنند (سیف و همکاران، ۱۳۷۳).

بر این اساس دختران از مادر و خواهران خود و پسران از پدر و برادران خود رفتار برپاداشتن نماز را تقلید می کنند و تحت تأثیر نمازگزاردن و اهمیت دادن به نماز آنها هستند.

ج - سن الگو

پژوهشها نشان می دهد الگوهایی که از نظر سن شبیه فرد است، بیشتر مورد توجه کودکان قرار می گیرد (هرگنهان والسون، ۱۳۷۸).

ترجیح دادن دوستان همسن و تعامل با همسالان در رشد اجتماعی کودکان نقش بسیار مهمی دارد (بی ریا و همکاران، ۱۳۷۵).

بسیاری از کودکان، هم سن و سالهای خود را مدل قرار می دهند. در بسیاری اوقات از والدین می شنویم که فرزندم تا حال این رفتار را نداشته است؛ مثلاً هیچ کس را کتک نمی زده و خشونت نشان نمی داده است. این رفتارها را از کودکان دیگر یاد گرفته است (مفیدی، ۱۳۷۲).

کودکان در دوران کودکی دوم (۱۱-۷ سالگی) تأثیرات زیادی از طریق همانندسازی با گروه همسالان می پذیرند. کودکان در این دوره به طور افراطی سعی می کنند مثل گروه همسالان خود رفتار کنند؛ می خواهند مثل آنها لباس بپوشند؛ حرف بزنند؛ راه بروند و به طور کلی رفتار و عقاید آنها را داشته باشند (سیف و همکاران، ۱۳۷۳).

کودکان وقتی هم سن و سالهای خود را در حال نماز خواندن، اذان گفتن، وضو گرفتن و توجه به نماز می بینند، بیشتر به مسائل نماز توجه می کنند.

د - موقعیت اجتماعی و شهرت

کودکان خردسال عموماً از والدین، برادر و خواهرهای بزرگتر و معلمان، و نوجوانان از قهرمانان ورزشی، بازیگران سینما و شخصیت های مشهور الگو برداری می کنند (سیف، ۱۳۷۹). با این حال کودکان، برخی از افراد مشهور و قهرمانان فیلمهای کارتونی و سریالهای تلویزیونی را سرمشق خود قرار می دهند؛ چهره ها و قهرمانانی مثل اسپایدرمن (مرد عنکبوتی)، سوپرمن، سمو پورنگ و...

عموماً افراد به الگوهایی توجه می کنند که به کارآمدی مشهورند و کسانی را که از نظر شهرت ناکارآمد هستند، نادیده می گیرند (هرگنهان والسون، ۱۳۷۸). اسوه های فرهنگی و تاریخی و دینی نمونه هایی هستند از الگوهایی که می توان به کودکان ارائه کرد (مفیدی، ۱۳۷۲).

می توان از الگوهای بزرگ و زندگی و صفات آنان صحبت کرد؛ مثلاً این داستان که ابوعلی سینا در حل مشکل خود از نماز کمک می گرفت. همچنین می توان صفات برجسته دانشمندان را در قالب داستان و قصه بیان نمود تا کودک تدریجاً با الگو پیوند عاطفی برقرار، و صفات او را درونی کند (پورحسین، ۱۳۷۵).

بخش تصاویر هنرپیشه ها، فوتبالیست ها و ورزشکاران بزرگ و هنرمندان درحال برپاداشتن نماز از راههای جذب کودکان به رفتار الگو است.

مصاحبه با این افراد و نظر خواهی آنان در مورد نماز می تواند توجه کودکان به مسائل مربوط به نماز را جلب کند. در کل می توان گفت یکی از عوامل مهم در جلب توجه کودکان، مقام و موقعیت اجتماعی و شهرت افراد است.

ه - شخصیت و ویژگیهای رفتاری الگو

ویژگیهای شخصیتی و رفتاری مثل برونگرایی و درونگرایی، اجتماعی بودن، تقید عملی والدین، ویژگیهای اخلاقی مثل راستگویی، صداقت، صبر و بردباری، روش تبادل اطلاعات، ویژگیهایی است که باعث توجه کودک به الگو و رفتار او می شود. والدینی که به مسائل دینی، مسجد و نماز اهمیت می دهند و در این محیطها کودکان را تشویق می کنند، کودکانشان آمادگی بیشتر دارند تا نسبت به تفکر دینی، مسجد و عبادت واکنش نشان دهند و رفتار افراد را در این محیطها بیشتر سرمشق قرار می دهند (باهر، ۱۳۷۸).

اشتیاق عملی والدین هنگام عبادت بر الگوگیری کودکان تأثیر مثبت می گذارد (کریمی، ۱۳۸۳).

والدینی که خود راستگو هستند و در رفتار خود عفت، صداقت، صبر و بردباری نشان می دهند و در عملکرد خود ثبات رفتاری دارند، تأثیر گذارترین (فرهادیان، ۱۳۷۷).

عمل والدین بیشتر کودکان را تحت تأثیر قرار می دهد تا حرفهای آنها و به قول مولوی:

پند را در جان و در دل ره کنید

از ره پنهان صلاح و کینه ها

گفت صحبتهای خود کوتاه کنید

می رود از سینه ها در سینه ها

مهارت‌های اجتماعی مثل تقویت رفتارهای دیگران و توانایی در برقراری تعامل مؤثر با دیگران در توجه و پذیرش اجتماعی نقش مهمی دارد (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۷۵).

به همین دلیل افراد غریبه که از مهارت‌های اجتماعی برخوردارند وقتی وارد یک محله، مسجد، مدرسه یا دانشگاه می‌شوند با گرفتن و دادن اطلاعات با سرعت مورد پذیرش گروه قرار می‌گیرند، اما افرادی که اجتماعی نیستند در برقراری تعامل با همسالان دچار مشکل جدی می‌شوند (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۷۵).

در کل، ویژگی‌های شخصیتی، رفتاری و اخلاقی نمازگزار مثل تقید عملی داشتن، راستگو، صادق، درستکار بودن، اجتماعی بودن، درونگرایی و برونگرایی در توجه کودک به نمازگزار نقش عمده ای دارد.

۲) مرحله نگهداری (یادداری یا یادسپاری)

فرد پس از توجه به الگو، رفتار او را به شکل رمز بصری و کلامی در می‌آورد (احدی و جمهری، ۱۳۷۸).

منظور از رمز بصری، اطلاعات دیداری مثل چهره، حرکات و اشاراتی همچون چهره نمازگزار، طرز وضو گرفتن، چگونگی سجده کردن، رکوع کردن و منظور از رمز کلامی، گفتار و تأکیدات کلامی الگو مثل نحوه الله اکبر گفتن، خواندن ذکرها، قرائت، نوع ذکر، روش گفتن اذان و... است. این داده‌ها پس از تبدیل به رمز کلامی و بصری در حافظه دراز مدت ذخیره می‌شود. کودکان با مشاهده حرکات والدین و اطرافیان احساس خاصی پیدا می‌کنند. آنان روش برپاداشتن نماز، نگرش اطرافیان به

نماز، میزان اهمیت دادن دیگران به نماز و ادب و وقار هنگام نماز را می بینند و درون سازی می کنند (فرهادیان، ۱۳۷۷).

۳) مرحله تولید رفتار یا بازآفرینی حرکتی

در این مرحله آنچه قبلاً در حافظه دراز مدت به شکل رمز کلامی و بصری ذخیره شده است، اگر توان لازم در فرد بود به عملکرد تبدیل، و تکرار می شود. در ابتدا رفتار ناشیانه انجام می شود اما در اثر تکرار و تمرین، رفتار فرد با آنچه مشاهده کرده است (خاطره رفتاری) یکی می شود و فرد به طور صحیح رفتار را تقلید می کند (هرگنجان والسون، ۱۳۷۸).

گاهی فرد رفتاری را می داند اما به دلیل مشکلات حرکتی و جسمی نمی تواند آن را انجام دهد و به عملکرد تبدیل کند. در این مرحله رفتار فرد به عملکرد حرکتی مبدل می شود؛ یعنی مانع و مشکل حرکتی که باعث عدم بروز عملکرد بود رفع می شود یا اینکه از اول مانع حرکتی وجود نداشته است اما یادگیری به دلایل دیگر به عملکرد تبدیل نشده بود که در این مرحله رفتار به شکل عملکرد خود را نشان می دهد.

کودک در این مرحله پس از مشاهده رفتار برپاداشتن نماز، آنچه قبلاً در مورد ذکرها، سجده ها، رکوع، قنوت، تشهد و... به خاطر سپرده بود به صورت رمز کلامی و بصری در حافظه می سپرد و عملاً انجام می دهد و تکرار می کند. در ابتدا رفتار الگوبرداری شده مثل سجده ناشیانه و همراه با اشتباهات فاحش انجام می گیرد اما در اثر تکرار و تمرین به صورت مهارت درمی آید.

۴) مرحله انگیزشی

این مرحله نشاندهنده نقش مشوق و انگیزه برای بروز رفتار است. آیا رفتار ظاهر شده و عوامل تقویت کننده، مشوق بروز آن شده است (احدی و جمهری، ۱۳۷۸).
براساس دیدگاه باندورا برای تبدیل آموخته های فرد به رفتار قابل مشاهده شرایط انگیزشی یعنی تقویت و پاداش ضروری است. البته باندورا تقویت را عامل یادگیری نمی داند بلکه عامل ظهور و بروز یادگیری و در تبدیل به عملکرد شدن مؤثر می داند (سیف، ۱۳۷۹).

انواع منابع تقویت در یادگیری از راه الگوگیری (مشاهده ای)

منابع تقویت سه دسته است که عبارت است از: الف - تقویت مستقیم رفتار کودک برای الگوبرداری از رفتار الگوب - تقویت از راه پیامدهای رفتار ج - تقویت جانشینی (غیرمستقیم) (سیف، ۱۳۷۹).

الف - تقویت مستقیم رفتار کودک برای الگوبرداری از رفتار الگو

در اینجا مستقیماً کودک را برای توجه و تقلید از الگو تشویق می کنیم. تقویت مستقیم بیشتر در مورد کودکان خردسال مشاهده می شود؛ برای مثال والدین، کودک خود را برای خواندن سوره حمد، آن گونه که خود خوانده اند تقویت می کنند.

در بسیاری از اوقات، کودکان در کنار والدین به نماز می ایستند یا به تنهایی نماز را تقلید می کنند. این مسئله نشان می دهد رفتار کودک انعکاسی از رفتار الگوها است. اگر مورد تأیید و تشویق الگوها قرار گیرد، تمایل کودک به تکرار رفتار بیشتر می شود (افروز، ۱۳۷۱)؛ مثال، به کودک می گوئیم دقت کن و خوب به اذان گفتن

برادرت گوش کن و بعداً خودت اذان بگو. پس از اذان گفتن کودک او را تقویت می کنیم؛ مثلاً گفت آفرین؛ این شکلات جایزه تو که به خوبی برادرت اذان گفتی یا به اذان گفتن او دقت کردی.

ب - تقویت از راه پیامدهای رفتار

اگر کودک رفتاری را سرمشق قرار دهد و در اثر الگو قرار دادن آن رفتار پیامد مثبتی به او برسد، کودک رفتار مشاهده شده را تکرار می کند؛ یعنی یاد گرفته است؛ به عبارتی استقرار رفتار در اثر تکرار نشان می دهد که رفتار، آموخته شده است. مثال، کودک همانند پدر رکوع و سجود می کند. مادر سریعاً می گوید آفرین پسر گلم. این تقویت باعث می شود رفتاری که کودک تقلید کرده است، پیامد مثبتی داشته باشد یا کودک احساس می کند هر گاه به تقلید از والدین نماز می خواند، دیگران با محبت به او نگاه می کنند. در اینجا کلمه آفرین پسر گلم یا نگاه محبت آمیز دیگران، پیامد مثبت اقامه کردن نماز است.

ج - تقویت جانشینی (غیرمستقیم)

منظور تقویت دست دوم است. اگر کودک رفتار کودک دیگری را ببیند که در اثر رفتار تقویت دریافت می کند، تقویت شدن رفتار الگو بر کودک نیز تأثیر مثبت می گذارد. او این طور استدلال می کند که هر کس دیگر هم همان رفتار را انجام دهد، تقویت دریافت می کند (سیف، ۱۳۷۹)؛ مثال، کودکی، کودک دیگری را می بیند که در برابر صحیح خواندن حمد و سوره مورد تشویق والدین قرار می گیرد. او استدلال می کند که اگر من هم حمد و سوره ام را درست بخوانم، مثل او تقویت دریافت می کنم.

در تقویت جانشینی، فرد به طور نمادی خود را به جای الگو قرار می دهد و از الگو تقلید می کند. شخصیتهای کارتونی و قهرمانان داستانها نمونه افرادی هستند که فرد خود را در جای آنها می گذارد و رفتار آنها را تقلید می کند (احدی و جمهری، ۱۳۷۸).

امام علی (ع) می فرماید: شما به بزرگان احترام بگذارید تا کودکان نیز به شما احترام گذارند (بی ریا، ۱۳۷۵: ۱۱۳۵). حدیث حضرت امیر (ع) به نوعی نشاندهنده نقش تقویت جانشینی در کودکان است.

کاربردهای آموزشی نظریه شناختی - اجتماعی

الف - آموزش رفتارها و مهارتهای تازه

اگر هدف آموزش رفتار جدید مثل سجده، رکوع، آموزش سر وقت نماز خواندن، آموزش و شرکت در نماز جماعت و آموزش اهمیت دادن به نماز باشد از این نظریه استفاده می کنیم.

ب - تشویق و ترغیب رفتارهایی که قبلاً آموخته شده است (نیرومند کردن رفتار قبلی)

مشاهده رفتار نه تنها یادگیری جدید را نیرومند می کند بلکه یادگیریهای قبلی را که به دلیل نبود تشویق و تقویت، زمینه بروز نیافته اند نیز نیرومند می کند (سیف، ۱۳۷۹)؛ مثال: کودک اقامه نماز را به طور صحیح می داند اما به دلیل سستی و سهل انگاری به موقع نماز نمی خواند. اگر در گروهی قرار گیرد و اقامه نماز دیگران را مشاهده کند، مجدداً آنچه را قبلاً یاد گرفته است، تقویت می شود و بروز می دهد.

به همین دلیل رفت و آمد با خانواده های مذهبی بهترین الگوی تربیتی در گرایش و انجام دادن تکالیف دینی است (کریمی، ۱۳۸۲).

ج - نیرومند کردن یا تضعیف اثر بازداریها

اگر دانش آموزان کلاسی مقررات آموزشگاه را زیر پا گذارند و به این دلیل تنبیه نشوند، ممکن است بقیه به رفتار خلاف تحریک شوند. اگر دانش آموز قانون شکن، مبصر کلاس یا فرد محبوب دانش آموزان باشد، تأثیر رفتار او به عنوان الگوی کلاس خیلی بیشتر است. این پدیده را اثر موجی گویند. معلم می تواند از اثر موجی به نفع خود برای آموزش رفتارهای مطلوب استفاده کند. اگر معلم با دانش آموزان قانون شکن قاطعانه برخورد کند به احتمال زیاد قانون شکنی سایر دانش آموزان کلاس نیز بازداري می شود (سیف، ۱۳۷۹)؛ مثال ۱: اگر روحانی که امام جماعت مسجد است همیشه برای اقامه نماز جماعت در مسجد دیر حاضر شود، دیگران نیز تشویق می شوند به موقع به صف نماز جماعت حاضر نشوند.

مثال ۲: دانش آموزانی که همیشه در کلاس آموزش نماز، لودگی و مسخره بازی می کنند و حرکات خنده آور انجام می دهند، اگر معلم قاطعانه با آنها برخورد نکند و به آنها تذکر ندهد، دیگران نیز حساب کار خود را نمی کنند.

خلاصه و نتیجه گیری

در مجموع می توان بیان کرد که رفتار برپاداشتن نماز همانند سایر رفتارها تابع قوانین یادگیری است. دیدگاه شناختی - اجتماعی همان گونه که بسیاری از رفتارهای یاد گرفته شده را تبیین می کند، رفتار برپاداشتن نماز را نیز بر اساس اصول

مطرح در این دیدگاه بیان می‌کند. همچنین آیات قرآن و احادیث ائمه (ع) با اصول اساسی در این رویکرد همخوانی دارد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- اتکینسون، رتیا؛ اتکینسون، ریچاردس؛ هیلگارد، ارنست (۱۳۶۹). زمینه روانشناسی. ترجمه محمدتقی براهنی و همکاران. تهران: رشد (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۸۳)
- احمدی، حسن؛ جمهری، فرهاد (۱۳۸۰). روانشناسی رشد نوجوانی و بزرگسالی. تهران: پردیس.
- اژدری، فاطمه (۱۳۸۲). بررسی نگرش دانش آموزان دبیرستانی شیراز نسبت به نماز. فصلنامه نیایش، ۱۳، ۱۴، ۵۳-۵۷.
- افروز، غلامعلی (۱۳۷۱). روش های پرورش احساس مذهبی «نماز» در کودکان و نوجوانان. تهران: انتشارات اولیاء و مربیان.
- باقریان، م (۱۳۷۶). بررسی راه های تقویت عبادتی اسلامی از دیدگاه مدیران، معاونین و معلمان شهرستان بم. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.
- باهنر، ناصر (۱۳۷۸). آموزش مفاهیم دینی همگام با روانشناسی رشد. تهران: شرکت چاپ و نشر بین المللی سازمان تبلیغات اسلامی.
- بی ریا و همکاران (۱۳۷۵). روان شناسی رشد یا نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت.
- پورحسین، رضا (۱۳۷۵). نقش الگوها در تربیت دینی فرزندان. مجموعه مقالات ششمین اجلاس سراسری نماز (حصص ۲۲-۱۳) تهران: ستاد اقامه نماز.
- تحویلیان، و، ون؛ تحویلیان، وم؛ و یار محمدیان (۱۳۷۵). عوامل مؤثر در گرایش بیشتر دانش آموزان دبیرستانی به نماز جماعت در مدارس ناحیه ۲ و ۴ اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.
- دشتی، محمد (۱۳۸۳). امام علی (ع) و اخلاق اسلامی. قم: نشر مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- دشتی، محمد (۱۳۸۳). نهج البلاغه. تهران: شهاب الدین.
- دیلمی، احمد؛ آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۱). اخلاق اسلامی. تهران: دفتر نشر معارف.
- سادی، علی (۱۳۷۵). بررسی عوامل مؤثر در ترغیب دانش آموزان به نماز. تربیت، ۶، ۴۵-۳۸.
- سیهوند، کبری (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانش آموزان به نماز از دیدگاه معلمان و دانش آموزان. فصلنامه نیایش، ۱۲، ۸۶-۷۳.

- سماروک، ب (۱۳۷۹). بررسی تاثیر نماز در بهداشت روانی نوجوانان از نظر دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه ناحیه ۵ اصفهان. پایان نامه کارشناسی، مرکز آموزش ضمن خدمت فرهنگیان اصفهان.
- سواری، کریم؛ صفایی مقدم، مسعود؛ وویسی، عبدالکاسم (۱۳۸۰). بررسی دیدگاه های فلسفی، عقیدتی دانش آموزان سه پایه مقطع متوسط شهر اهواز در مورد نماز. فصلنامه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه چمران، ۲۰۱.
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۹). تغییر رفتار و رفتار درمانی: نظریه ها و روش ها. تهران: نشر دوران.
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۹). روانشناسی پرورشی (ویرایش پنجم). تهران: آگاه.
- سیف، سوسن؛ کدیور، پروین؛ کرمی نوری، رضا؛ لطف آبادی، حسین (۱۳۷۳). روان شناسی رشد. تهران: سمت.
- فرهادیان، رضا (۱۳۷۷). عوامل گرایش نوجوانان و جوانان به نماز. مجموعه مقالات هشتمین اجلاس سراسری نماز. (ص ۱۶-۱۵۱) تهران: ستاد اقامه نماز.
- قائمی، علی (۱۳۷۰). پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان. تهران: امیر.
- قائمی، علی (۱۳۷۷). نماز در دوران کودکی. مجموعه سخنرانی های نماز و تربیت. دفتر دوم (ص ۱۱۷-۱۰۱). تهران: ستاد اقامه نماز.
- قرائتی، محسن؛ بهشتی، جواد (۱۳۷۳). همراه یا نماز. تهران: ستاد اقامه نماز.
- کرومبولتز، جان دی؛ وکرومبولتز، هلن بی (۱۳۶۸). تغییر دادن رفتار کودکان و نوجوانان. ترجمه یوسف کریمی. تهران: فاطمی.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۲). نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان (نماز و خانواده). تهران: ستاد اقامه نماز و احیای زکات.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۲). نکته های روان شناختی در تربیت دینی فرزندان (نماز و مدرسه ۲). تهران: ستاد اقامه نماز و احیای زکات.
- نرم افزار جامع احادیث اهل بیت. (۱۳۸۳). نور ۲/۵ جامع الاحادیث. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی. مفیدی، نرخبنده (۱۳۷۲). نقش الگو دهی معلم در جریان تعلیم و تربیت کودکان دوره ابتدایی. مجموعه مقالات دومین سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش. (ص ۴۲۴ - ۴۱۳). تهران: همت.
- مردانی، صدیقه؛ مصطفائی، مجتبی (۱۳۸۰). بررسی عوامل و موانع گرایش دانشجویان به نماز. مجموعه مقالات یازدهمین اجلاس سراسری نماز (ص ۳۹۲ - ۳۷۳). تهران: ستاد اقامه نماز.
- مهرمحمدی، مجید (۱۳۸۰). نقش الگوئی اساتید دانشگاه در گسترش فرهنگ نماز از دیدگاه مکتب یادگیری اجتماعی در روانشناسی. مجموعه مقالات یازدهمین اجلاس سراسری نماز (ص ۳۳۳ - ۳۲۱). تهران: ستاد اقامه نماز.

هرگنهان، بی آر؛ والسون، ام. اج (۱۳۷۸). مقدمه ای بر نظریه های یادگیری. ترجمه علی اکبر سیف. تهران: دوران (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۳).
هنری ماسن، پاور؛ کیگان، جروم؛ هوستون، آلتا؛ کارول، کانجر، جال؛ جین، وی (۱۳۷۲). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: نشر مرکز.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی